

پیوند بین علم اقتصاد و حقوق با ارائه چارچوب کنش جمعی برای تحلیل ضمانت اجرای قوانین تسهیل محیط کسب و کار

قاسم ایزانلو

دکتری اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

علی چشمی*

استادیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

رحیم پیلووار

استادیار حقوق خصوصی پردیس فارابی دانشگاه تهران

مهدی خداپرست مشهدی

دانشیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۴/۳۱)

چکیده

اگر اصلاحات نهادهای رسمی را به عنوان تصویب قوانین و مقررات اقتصادی و تضمین اجرای آن در نظر بگیریم، تحقق این اصلاحات نیازمند شکل‌گیری کنش جمعی میان ذی‌نفعان آن است. اگرچه شکل‌گیری این کنش جمعی میان بازیگران دارای انگیزه‌های متضاد می‌تواند احتمال توفیق این اصلاحات را افزایش دهد، بنا به نظریات اقتصادی تحقق آن با موانع مهمی از جمله هزینه‌های مبادله مواجه است. پس از اینکه نظریه کنش جمعی برای تدارک کالای عمومی داوطلبانه و نظریه هزینه مبادله، فرض دولت همه‌چیزدان و خیرخواه را به چالش کشیدند، نحوه شکل‌گیری فرایندهای تصمیم‌گیری در درون بخش عمومی اهمیت پیدا کرد. در این مقاله تلاش می‌شود با پیوند این نظریات، چارچوبی مفهومی برای بررسی هزینه‌های مبادله‌ای مرتبط با کنش جمعی عاملان سیاسی، اداری و اقتصادی به منظور ضمانت اجرای قوانین به عنوان یک کالای عمومی داوطلبانه ارائه شود. چنین کنشی مستلزم انجام فعالیت‌های جست‌وجو و تهیه اطلاعات، چانه‌زنی و مذاکره و تضمین اجرای مبادلات توسط عاملان سیاسی، اقتصادی و اداری است. نتایج چارچوب مفهومی، که بر مبنای تلفیق نظریات کنش جمعی و هزینه مبادله در این مقاله تهیه شد، نشان می‌دهد که ۱۸ مؤلفه بر هزینه‌های کنش جمعی برای اصلاحات نهادی مؤثرند. کاربرد این چارچوب برای تحلیل ضمانت اجرای قوانین تسهیل محیط کسب و کار به ویژه قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰ در ایران نشان می‌دهد علاوه بر کمبود ضمانت اجراهای قانونی و نواقص نظارت‌های بیرونی، مؤلفه‌های متعددی وجود دارد که کنش جمعی لازم برای اجرای این قوانین را پرهزینه کرده است.

واژگان کلیدی

اصلاحات نهادهای رسمی، تضمین اجرای قوانین، کنش جمعی، محیط کسب و کار، هزینه مبادله.

۱. مقدمه

اغلب معرفتی که از رهگذر تفکیک حوزه‌های مورد مطالعه علوم انسانی به‌ویژه برحسب رویکردهای تحقیقی (پوزیتیویستی) به‌دست می‌آید، به‌دلیل اینکه تنها به گوشه‌ای از واقعیات و ارزش‌های اجتماعی توجه می‌کند، لزوماً کارآمد نیست. به همین سبب، دانشمندان اجتماعی، پیدایش گسست‌های فکری، علمی، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری را محصول نگرش تک‌بعدی و ناشی از مرزبندی علوم اجتماعی می‌دانند. گسترش مطالعه‌های میان‌رشته‌ای موجب یافتن راه‌های مناسب برای هماهنگی میان نتایج مطالعات تخصص‌های گوناگون و داشتن نگاه جامع به فعالیت و رفتار انسان خواهد شد (McNutt, 2005: 660-659).

پیوند میان دو رشته حقوق و اقتصاد به‌سبب تمرکز مطالعاتی تعداد زیادی از نظریه‌پردازان و محققان برجسته بر آن، از رشد سریع‌تری برخوردار بوده است. اندیشمندانی چون هابز، بنتام، ریچارد تی ال، کامونز، همیلتون، هال، کوز، کالابرسی، بکر، ریچارد پازنر، پیرسون، نورث، کوتر و اسمیت با انتشار نظریات و نتایج مطالعات خود بر موضوعاتی چون تبیین مدل حقوقی-اقتصادی معمای زندانی، حقوق مالکیت، تحلیل اقتصادی پاداش و مجازات، تحلیل اقتصادی احکام حقوقی، ارزیابی رابطه مالکیت و قرارداد با توزیع درآمد و ثروت، هزینه‌های مبادله و مسئله هزینه‌های اجتماعی، موضوعات مربوط به قانون کار، چانه‌زنی جمعی، توزیع ریسک و قوانین جریمه، اقتصاد جرم، تحلیل اقتصادی حقوق، یکپارچگی تغییرات نهادی و تکنیکی، تأثیر مجامع قانونگذاری رسمی در امور اقتصادی، نقشی تأثیرگذار در پیشبرد ادبیات حقوق و اقتصاد داشته‌اند.^۱

هم‌نهاد (سنتر)^۲ حقوق و اقتصاد را می‌توان شامل دو گرایش یا دو زمینه پژوهشی حقوق اقتصادی و تحلیل اقتصادی حقوق دانست. حقوق اقتصادی که از قرن هفدهم میلادی مطرح بوده و تا اوایل دهه ۱۹۴۰ ادامه یافته است، جنبه عام‌تر و سنتی‌تر دارد و اغلب به بررسی ساختار حقوقی نهادها، سازمان‌ها، تشکیلات و موضوعات اقتصادی مربوط می‌شود. اما تحلیل اقتصادی حقوق که تقریباً از اواخر دهه ۱۹۵۰ به بعد را شامل می‌شود، در واقع تحلیل و بررسی موضوعات حقوقی با کمک ابزارها، نظریه‌ها و فنون اقتصادی است^۳ (بادینی، ۱۳۸۲: ۹۸-۹۶).

۱. البته باید توجه داشت هدف حقوق با اقتصاد فرق دارد. رک: کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۴۴۱ به بعد.

۲. برای اطلاعات بیشتر در خصوص این اصطلاح رک: کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۱۹۶ به بعد.

۳. پیروان این جریان، اگرچه وامدار مکتب فایده‌گرایی هستند، ولی از آنها مستقل‌اند، زیرا در مکتب فایده‌گرایی، مبنای حقوق را لذت و خوشی می‌دانند، درحالی‌که پیروان مکتب تحلیل اقتصادی، بیشتر بر اهداف مالی و افزایش سود متمرکزند. از طرف دیگر، برخلاف مکتب فایده‌گرایی، آنان بیشتر توصیفی‌اند تا هنجارگرا، یعنی دنبال توضیح و تبیین روابط براساس اندیشه‌های اقتصادی هستند تا اینکه دنبال قاعده‌سازی حقوقی باشند (Ryan, 1987: 103).

مسئله اصلی مقاله چنین است که چگونه می‌توان نظریات اقتصادی یعنی کنش جمعی و هزینه مبادله را برای تحلیل یک مسئله حقوقی یعنی ضمانت اجرای قوانین تسهیل سرمایه‌گذاری به کار برد؟ بنابراین ضمانت اجرای قوانین تسهیل سرمایه‌گذاری به عنوان تدارک یک کالای عمومی داوطلبانه در نظر گرفته شده است که رفتار منفعت‌طلبانه و رانت‌جویانه عوامل ذی‌نفع در آن نقشی محوری دارند.

برای پاسخگویی به این مسئله، پس از مقدمه در قسمت دوم، مبانی نظری مرتبط با کالای عمومی، پیگیری منافع، هزینه مبادله و کنش جمعی تبیین می‌شود. قسمت سوم مروری بر مطالعات انجام‌گرفته مرتبط را شامل می‌شود. در قسمت چهارم به تبیین چارچوب مفهومی پیشنهادی و کاربرد آن برای ضمانت اجرای قوانین تسهیل سرمایه‌گذاری پرداخته خواهد شد. قسمت پایانی نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی موضوع مورد بحث خواهد بود.

۲. مبانی نظری

اگر اصلاحات نهادی رسمی را به‌عنوان تغییر معنادار در قوانین و مقررات و اجرای آن تعریف کنیم، اصلاحات یک کنش جمعی است که دارای ماهیت کالای عمومی داوطلبانه بوده و انجام بهینه آن نیازمند مشارکت فعال و سازنده افراد و گروه‌های متنوع سیاسی، اداری و اقتصادی است. چنین اصلاحاتی دارای مصادیق متنوعی در اقتصاد است، مانند بهبود انضباط مالی، اصلاحات مالیاتی، توزیع و تخصیص بهینه اعتبارات، تسهیل و تسریع فرایندهای سرمایه‌گذاری، بهبود نظام اداری و محیط کسب‌وکار، یکسان‌سازی نرخ ارز، آزادسازی تجاری، مقررات‌زدایی و حمایت همه‌جانبه از حقوق مالکیت (Drazen, 2000: 857).

موفقیت در تدارک کالای عمومی داوطلبانه توسط افراد، مستلزم در اولویت بودن پیگیری منافع عمومی توسط عاملان و کنشگران است. چنین فرضی نقطه آغازین تناقضی بنیادی است، زیرا یکی از مهم‌ترین اصول رفتار اقتصادی، پیگیری منافع شخصی توسط افراد است. بنابراین، کالاهای عمومی داوطلبانه که عرضه آنها مستلزم در اولویت بودن پیگیری منافع عمومی از سوی افراد است، چگونه تأمین خواهد شد؟ به عبارت دیگر، با وجود پیگیری منافع شخصی توسط افراد چگونه می‌توان چارچوبی تلفیقی از نظریات اقتصادی برای تهیه کالاهای عمومی داوطلبانه (ضمانت اجرایی قوانین به‌عنوان اصلاح اقتصادی) ارائه کرد؟ برای تبیین این مسئله، در این بخش مفهوم کالای عمومی داوطلبانه، پیگیری منافع شخصی، هزینه مبادله و کنش جمعی بررسی می‌شود.

۲.۱. کالای عمومی داوطلبانه

نمونه‌های بی‌شماری از کالاهای عمومی هستند که تدارک آنها به کمک یا مشارکت داوطلبانه بستگی دارد. در تدارک داوطلبانه کالای عمومی، کسی را که منتفع می‌شود، نمی‌توان در عمل مجبور به دادن «سهم منصفانه» کرد، بنابراین افراد جویای نفع شخصی، انگیزه «سواری مجانی» دارند؛ یعنی اینکه از منافع کالاهای عمومی رقابت‌ناپذیر بهره‌مند می‌شوند، بدون اینکه در تدارک آن سهم باشند، زیرا این کالاها، استثنائاً پذیرند، یعنی کنار گذاشتن افرادی که بهای کالا را نپرداخته‌اند، بسیار پرهزینه است (Drazen, 2000: 546).

کالای عمومی داوطلبانه بر دو نوع است: کالای عمومی خالص و منبع مشترک. هر دوی آنها به زبان مسئله کنش جمعی قابل بیان هستند. تنها تفاوت در دو نوع از شرایط آن است که بازی کالای عمومی نیازمند عاملانی برای انجام اقدام مشخص است (مانند مشارکت در انجام بهینه اصلاحات اقتصادی)، در حالی که بازی منبع مشترک نیازمند عاملانی برای خودداری از اقدام مشخص است (نگهداری کیفیت یا کمیت بهینه یک چراگاه) (Volacu, 2015: 38).

۲.۲. پیگیری منافع شخصی در بخش عمومی

یکی از محوری‌ترین موضوعاتی که توسط آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳) در کتاب *ثروت ملی* مطرح شد، پیگیری منافع شخصی توسط افراد بود. اندیشه‌های وی را به‌طور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد: ۱. افراد در پی کسب حداکثر سودند؛ ۲. منافع جامعه عبارت است از مجموع منافع هر فرد در آن جامعه (Munzer, 1990: 105). او که در دوران انقلاب صنعتی و شکوفایی اقتصاد انگلیس زندگی می‌کرد، معتقد بود هدف طبیعی فعالیت‌های اقتصادی در هر جامعه‌ای، افزایش ثروت ملی است. از طرف دیگر، محرک اصلی فعالیت اقتصادی هر فرد، منافع شخصی اوست. براساس این انگیزه، هر فرد در جامعه سعی می‌کند سرمایه خود را به بهترین وجه به کار اندازد، بدون آنکه متوجه باشد، عمل او برای جامعه نیز مفید است. بنابراین در اقتصاد آزاد جست‌وجوی منافع شخصی با مصلحت و منافع عمومی مطابقت می‌کند و در نتیجه رفاه جامعه تأمین می‌شود. در نظر او در جامعه «دستی نامرئی» وجود دارد که خودش امور جامعه را به‌درستی تنظیم می‌کند و نیازی به دخالت دولت نیست. کافی است شرایط رقابت کامل وجود داشته باشد، تا همه چیز به‌درستی پیش رود (تفضلی، ۱۳۸۶: ۸۰ به بعد). با وجود این، نظریه‌پردازان علم اقتصاد متعارف تا مدت‌ها نتوانستند دولت را به‌همراه تصمیم‌گیرندگان خصوصی در قالب نظریه واحدی از تعادل عمومی جای دهند. اغلب اقدامات دولت به‌عنوان یک متغیر برون‌زا در نظر گرفته می‌شد که برحسب ملاحظات سیاسی تعیین می‌شود و خارج از قلمرو اقتصاد قرار دارد. به‌عبارتی برای تجزیه و تحلیل انتخاب‌های دولت در زمینه منابع عمومی از ابزارهای تحلیل

اقتصادی استفاده نمی‌شد. در این گونه تحلیل‌ها بیشتر متخصصان اقتصاد رفاه و بسیاری از نظریه‌پردازان مالیه عمومی به‌طور ضمنی فرض می‌کردند که کارکرد مناسب دولت به‌عنوان یک خیرخواه عمومی، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی است^۱ (Buchanan & Tullock, 1962: 30). پس از دهه ۱۹۶۰، نظریه‌پردازان در رویکرد انتخاب عمومی (یا تحلیل اقتصادی سیاست) بر پیگیری منافع شخصی توسط بوروکرات‌ها و سیاستمداران در دولت تأکید کردند. بوکانون و تولاک^۲ در اثر مشهور خود به نام محاسبه رضایت اظهار داشتند سیاستمداران نه به دنبال خیر و نفع عمومی، بلکه در پی حداکثرسازی نفع خود هستند. همچنین در نهاد دولت، همواره دو یا چند نفر با یکی کردن قدرتشان دستیابی به منافع مشترک را پیگیری می‌کنند (Buchanan & Tullock, 1962: 40-42). نيسكانن طراح بزرگ اقتصادی آمریکا در دوره رونالد ریگان، در مقاله ارزشمند خود با نام «بوروکرات‌ها و سیاستمداران» اعلام کرد که عاملان اداری همواره در پی حداکثرسازی منافع خود از طریق در اختیار داشتن سهم بیشتری از بودجه هستند. در ضمن نمایندگان مجلس نیز برای اختصاص سهم بیشتری از بودجه به منطقه تحت نمایندگی خود و متعاقباً استمرار دوره نمایندگی خود و بودن در قدرت تلاش می‌کنند (Niskanen, 1975: 630). داوونز که از جمله اقتصاددانان برجسته نظریه انتخاب عمومی است، در مقاله خود با عنوان «نظریه اقتصادی رفتار سیاسی در نظام دموکراسی»، تأکید می‌کند که هدف سیاستمداران عبارت است از کسب درآمد، قدرت و اعتبار اجتماعی ملازم با دستیابی به حکومت. بر این اساس چون شیوه‌های دستیابی به این اهداف در حکومت‌ها و جوامع مختلف متفاوت است، هیچ نظریه واحدی را نمی‌توان به‌منظور تبیین رفتار دولت در تمام جوامع مطرح ساخت (Downs, 1957: 149-150). نهایت آنکه رمسیر، در مقاله انتخاب عمومی خود اعلام می‌دارد که نمایندگان مجلس از طریق مکانیسم مبادله رأی به دنبال حداکثرسازی منافع خود هستند (Ramseyer, 1995: 6).

۲.۳. هزینه‌های مبادله در بخش عمومی

در هنگام مذاکره و چانه‌زنی برای مبادله یک کالا یا خدمت در بازار، هزینه‌های مختلفی به طرفین مبادله تحمیل می‌شود. این هزینه‌ها شامل هزینه تولید، تجارت و مبادله است که

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۵ بیان می‌دارد: «هر کس حق دارد از سطح زندگی مناسبی برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی برخوردار گردد و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوگی، پیری یا در سایر موارد دیگری که به عللی خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش را از دست داده باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود...».

2. Buchanan & Tullock

هزینه‌های مبادله در نظریه استاندارد بازار تحلیل نمی‌شد. تا اینکه رونالد کوز^۱ (۱۹۶۰) وجود این هزینه‌ها را به‌عنوان منشأ اصلی نارسایی و شکست بازار معرفی کرد. در فرایندهایی مانند تدارک کالای عمومی داوطلبانه نیز هزینه‌های مبادله بین افراد قابل شناسایی است، زیرا برای انجام توافق باید افراد با هم مذاکره و در مواردی چانه‌زنی کنند و زمان صرف کنند تا همدیگر را قانع کنند. بوکانن و تولاک (۱۹۶۲: ۶۴) چنین هزینه‌هایی را هزینه‌های تصمیم‌سازی نامگذاری کردند.

مواردی همچون هزینه‌های شناسایی و طرح مسائل اولیه توسط کارشناسان مربوطه، زمان هماهنگی و تشکیل نشست تخصصی برای تصمیم‌سازی اولیه، هزینه‌های مربوط به مذاکره، چانه‌زنی و قانع‌سازی افراد صاحب صلاحیت، ثبت و ضبط و نهادینه کردن استحکام تصمیم مربوطه، هزینه مربوط به کسب اطلاعات مورد نیاز، هزینه نظارت بر قرارداد و هزینه برخورد با خطاهای احتمالی صورت‌گرفته از سوی طرف‌های مبادله از اجزای هزینه مبادله بین عاملان سیاسی، اداری و اقتصادی محسوب می‌شود. بالا بودن هزینه مبادله، انجام مبادلات را کاهش می‌دهد و سرانجام متوقف می‌کند. هزینه مبادله رفاه کارگزاران را کاهش می‌دهد، زیرا از کارایی سیستم مربوطه می‌کاهد و رضایت‌مندی طرف‌های مبادله را کم می‌کند؛ به‌ویژه زمانی که طرف‌های مبادله افزایش می‌یابند، نقش این هزینه‌ها بیشتر می‌شود (Hahn, 1971: 420-423). غیرمتعارف بودن کالا، تعدد طرف‌های معامله، بیگانه، غیردوستانه و غیرمنطقی بودن طرف معامله، زیاد بودن احتمالات و ابعاد موضوع مورد معامله و تعدد و پیچیدگی ساختار حقوقی و نظارتی موجود در جامعه، با افزایش هزینه‌های مبادله امکان رسیدن به توافق را به‌شدت کاهش می‌دهد (Cooter, 2004: 85-87).

کارگزاران در بخش عمومی به این صورت رفتار خواهند کرد که منافع حضور در کنش جمعی (بالا رفتن رضایت‌مندی در صورت موافقت با یک موضوع) را در کنار هزینه‌ای قرار می‌دهند که به‌خاطر کنش جمعی (هزینه‌های جست‌وجو و کسب اطلاعات، هزینه‌های مذاکره و چانه‌زنی و هزینه‌های ضمانت اجرایی توافق) باید بپردازند. اگر هزینه مربوطه برای همه صفر باشد، در آن صورت توافق به‌صورت اجماعی و در بهینه پارتنو حاصل می‌شود (رک: ایرانپور، ۱۳۹۸: ۲۰۱ به بعد). اما با وجود هزینه‌های کنش جمعی یا مبادله‌ای انجام نمی‌گیرد و یا ترجیح در آن است که قاعده‌ای غیر از اجماع برای تصمیم‌گیری همچون پیگیری منافع از طریق گروه‌های کوچک، مبنا قرار گیرد (Drazen, 2000: 423-433).

1. Ronald Coase

۲.۴. کنش جمعی در بخش عمومی

کامونز را باید آغازگر مباحث مربوط کنش جمعی تلقی کرد. وی از زاویه تحلیل نهادی کنش جمعی را تبیین کرد (۱۹۳۱: ۶۴۹). از دیدگاه کامونز یکی از ضعف‌های اساسی اقتصاد کلاسیک، فرض هماهنگی منافع است که به فراگیری اصل کلی کمیابی و تضادهای حاصل از آن توجه نمی‌کند. در واقع این دست نامرئی آدم اسمیت نیست که موجب سازگاری منافع می‌شود، بلکه دست مرئی دادگاه‌های حقوقی عرفی بود که آگاهانه و ارادی، رسوم و رویه‌های درست را برمی‌گزیند و آنها را به افراد ناراضی تحمیل می‌کند. بنابراین، اقتصاددانان کلاسیک متوجه نشدند که سازگاری منافع، محصول تاریخی کنش جمعی است و از تضاد منافع نشأت می‌گیرد (Commons, 1931: 648).

کامونز تحلیل دقیقی از بنیان‌های حقوقی نظام سرمایه‌داری و تکامل این نظام در زمان خود ارائه کرده است. همچنین با توجه به تماس دائم و مستمر با دادگاه‌ها، دیوان عالی و فرایندهای قانونگذاری آمریکا و روحیه عمل‌گرایانه خود، اصول و مفاهیم جدیدی را مطرح کرد و مبانی گسترده‌ای را برای دیدگاه واقع‌گرایانه حقوق و اقتصاد فراهم ساخت. در واقع از طریق مشارکت در کنش جمعی، تهیه پیش‌نویس لوایح و قوانین، و مطالعات گسترده خود، کامونز کشف کرد که تصمیمات دادگاه‌ها با تضاد منافع آغاز می‌شود، سپس با در نظر گرفتن ایده آشکار وابستگی منافع متضاد به یکدیگر، و بعد از آن از سوی بالاترین قدرت (دادگاه عالی، یا مراجع حل اختلافات کاری و بازرگانی) تصمیمی اتخاذ می‌شود. این تصمیمات به دنبال آن نیستند که هماهنگی در منافع به وجود آورند، بلکه در پی استخراج نظم از تضاد منافع هستند، چیزی که در رویه‌های قضایی از آن به‌عنوان تشریفات صحیح قانونی یاد می‌شود (Commons, 1924: 4).

بنابراین، براساس مدل کامونز، تضاد، نقطه آغازین کنش جمعی است. پس از بروز تضاد، جامعه راه‌حلی را برای آن ارائه می‌کند. این راه‌حل موجب تغییر قواعد کاری و قالب اجتماعی می‌شود و نظم جدیدی را به وجود می‌آورد که در چارچوب آن افراد رفتار خود را با یکدیگر شکل می‌دهند. اما در قالب همین نظم جدید، تضادهای جدیدی نیز رخ می‌دهد، مجدداً جامعه راه‌حلی برای آن ارائه می‌کند و دوباره نظم جدیدی شکل می‌گیرد و این فرایند همین‌طور ادامه می‌یابد.

پس از کامونز و به‌ویژه بعد از دهه ۱۹۶۰ دو نسل از نظریات کنش جمعی ظهور کرد؛ نظریات نسل اول کنش جمعی، به اولسن و نظریات نسل دوم نیز به استروم تعلق دارد. اولسن در کتاب مشهور خود، منطق کنش جمعی، نشان داد که چگونه در اغلب موارد بین ترجیحات افراد و آنچه در یک فرایند گروهی موفق به کسب آن می‌شوند، تفاوت وجود دارد.

همچنین چگونه عملکرد گروه‌های فشار مانع پیشرفت اقتصادی می‌شود. براساس منطق کنش جمعی اولسن مهم‌ترین موانع موفقیت در کنش گروهی، مواردی مانند سواری مجانی، نسبت عکس اندازه گروه‌ها و منافع به‌دست‌آمده، وجود هزینه‌های اطلاعاتی هماهنگی به‌منظور کنش گروهی و منافع چشمگیر افراد و گروه‌های لابی‌گر جهت انحراف کنش گروهی است (Olson, 1965: 95-103).

نظریه‌های نسل اول کنش جمعی در چارچوب اقتصاد نئوکلاسیکی قرار داشتند که با فرض ثبات سایر شرایط، معمای کنش جمعی را به‌عنوان بازی غیرهمکارانه مدل‌سازی کردند. با این حال، این نظریات در تبیین شواهد تجربی چندان مطلوب تلقی نشد و در نتیجه برنامه تحقیقاتی جدیدی با عنوان نظریه نسل دوم کنش جمعی نمایان شد (Ostrom, 1990: 56-57). یافته‌های تجربی نشان می‌دهد مشارکت در رأی‌گیری، انقلاب‌ها، انجمن‌های داوطلبانه، بنیادها و سایر گروه‌های ذی‌نفع از نمونه‌هایی هستند که به غلبه افراد بر مشکل کنش جمعی اشاره می‌کنند. استروم تلاش کرد فرض عقلانیت کامل و افراد خودخواه در نظریات نسل اول را به فرض همکاری مشروط و افراد مجازات‌گر حاضر تغییر دهد (Ostrom, 2000: 151). افراد همکار مشروط ممکن است همان مجازات‌گران حاضر باشند، به این معنا که ممکن است به غیرهمکاران مجازاتی را تحمیل کنند، حتی اگر خودشان متحمل هزینه‌های بسیاری برای این اقدام شوند. دومین تعدیل در نظریه غیرهمکارانه کنش جمعی، در نظر گرفتن فرض موضوعات زمینه‌ای است که کمک می‌کند تا نقش ارزش‌های اجتماعی، که همکاری مشروط و مجازات‌گر حاضر را تسریع می‌کند، بهتر درک شود. این ارزش‌ها در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مفروض به‌عنوان نهادها، مقررات مورد نیاز، ممنوعیت‌ها و مجوزها در نظر گرفته می‌شود (Ostrom & Basurto, 2011: 319; Olson, 1986: 5). برای مثال راست‌گویی، نریختن زباله در خیابان، تکان دادن دست به‌هنگام ملاقات دیگران یا خاموش کردن موبایل در سینما، مواردی از انطباق با ارزش‌های اجتماعی مساعد برای کنش جمعی است.

۳. ارائه چارچوب کاربردی و تلفیقی از نظریات کنش جمعی و هزینه مبادله

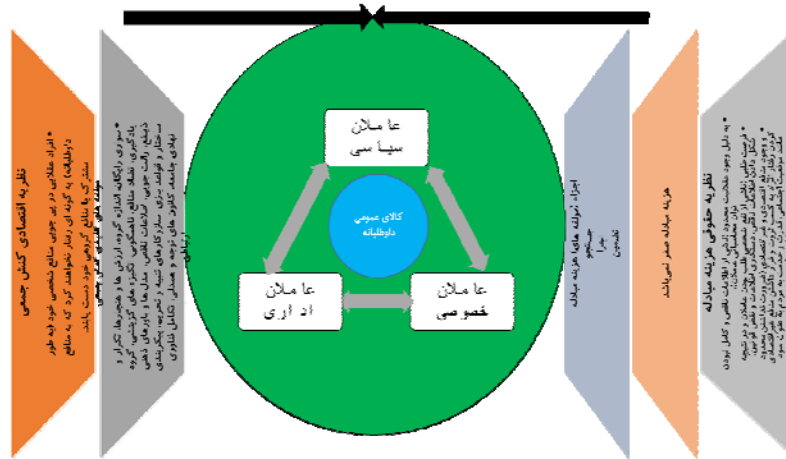
با استناد به مشاهدات تجربی، بسیاری از کشورهای پیشرفته - به‌ویژه در اسکاندیناوی - توانسته‌اند اشتغال نزدیک به کامل را با تورم نسبتاً اندک و رشد مداوم درآمد و مصرف، برای اکثریت افراد جامعه برقرار سازند و حتی موفق شده‌اند تدارک کالای عمومی داوطلبانه‌ای چون تجدید ساختار نظام اقتصادی و اصلاحات اقتصادی مرتبط را به شکلی کم‌دردسر و بدون اختلاف نظر به انجام رسانند. علت اصلی عملکرد این کشورها را در مذاکره و چانه‌زنی سه‌جانبه بین تشکیلات کارفرمایان متمرکز، اتحادیه‌های کارگری و مجموعه عوامل دولتی

(سیاستمداران و دیوانسالاران) می‌توان یافت. این مذاکرات و چانه‌زنی‌ها موجب هماهنگی میان آنان و متعاقباً شاخص‌های بهینه اقتصادی شد (Chang, 1994: 24).

مواردی مانند کاستن از هزینه‌های مبادله کشوری با تغییر دادن پیکربندی نهادی جامعه، ترویج نوعی ایدئولوژی ملی یا نظام ارزشی کاهنده هزینه کسب و تبادل اطلاعات، مذاکره و چانه‌زنی با توجه به اثرگذاری نهاد دولت بر نظام آموزشی و رسانه‌های عمومی و سرانجام کاهش هزینه‌های مبادله با متمرکز کردن کانون توجه یا ایجاد همدلی و هماهنگ‌سازی تصمیم‌ها حول دغدغه‌های مشترک، مصادیقی از کاهش هزینه مبادلاتی کلی بین مجموعه عوامل به‌منظور ایجاد کنش جمعی برای اصلاحات نهادی است. برقراری نظام حقوق مالکیت کارآمد، تثبیت کلان اقتصادی، سازماندهی جامعه در قالب گروه‌های بزرگ، ترویج ایدئولوژی‌های ملی و هماهنگ‌سازی تصمیم‌های مربوط به سرمایه‌گذاری را می‌توان از مصادیق این جایگاه دولت دانست (Chang, 1994: 80-82).

نیسکانن در مقاله مشهور خود با عنوان «بوروکرات‌ها و سیاستمداران»، با طرح پنج فرضیه منتج از مطالعات تجربی شامل ولخرجی (افراطی خرج کردن)، ناکارآمدی تولید (عرضه کمتر یا بیشتر خدمت)، عرضه بیش از حد خدمت از بعد هزینه‌ای، فراسرمایه‌داری (به‌کارگیری روش‌های تولیدی به‌شدت سرمایه‌بر) و گسترش ساختار بوروکراتیک، که حاصل کنش متقابل دیوانسالاران و سیاستمداران است؛ چالش‌های موجود در مسیر پیچیده و دشوار انجام اصلاحات اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نموده‌های کالاهای عمومی داوطلبانه را تبیین کرده است. براساس مطالعه وی، یکی از تناقضات مهم در مسیر تدارک چنین کالای عمومی داوطلبانه‌ای، عدم مشارکت بسیاری از عوامل سیاسی و اداری در فرایند کنش جمعی مربوط به تدارک آن کالا به‌سبب تضاد منافعشان است. بر این اساس، مشارکت همه ذی‌نفعان و عوامل پیگیر منافع شخصی در تدارک کالای عمومی داوطلبانه اصلاحات اقتصادی، حول اهداف و محورهای اصلاحی مشترک ضرورت دارد؛ اما در یک بازی کنش جمعی غیرهمکارانه بین اهداف فردی و خواست عمومی ناسازگاری وجود دارد.

در این قسمت، یک الگوی مفهومی و کاربردی در چارچوب نظریه هزینه مبادله و کنش جمعی برای تحلیل تدارک هر نوعی از کالای عمومی داوطلبانه از جمله اصلاحات نهادی طراحی می‌شود. شکل ۱، ارتباط نظریات اقتصادی و حقوقی کنش جمعی و هزینه مبادله برای تدارک کالای عمومی داوطلبانه را نشان می‌دهد.



شکل ۱. ارتباط نظریات هزینه مبادله و کنش جمعی برای تضمین اجرای قوانین

مجموعه مؤلفه‌های هجده‌گانه مؤثر بر کنش جمعی عاملان نیز که یکی از نوآوری‌های تحقیق نیز محسوب می‌شود، در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. عوامل مؤثر بر کنش جمعی برای تدارک کالای عمومی داوطلبانه

مؤلفه	کنش جمعی برای تدارک کالای عمومی داوطلبانه:	برگرفته از نظریه
۱. سواری مجانی، ۲. اندازه گروه، ۳. هزینه‌های اطلاعاتی هماهنگی، ۴. ناهمگونی، ۵. تضاد منافع، ۶. انگیزه‌های گزینشی	دشووارتر است اگر امکان سواری مجانی بیشتر، اندازه گروه‌ها بزرگ‌تر، هزینه‌های اطلاعاتی و هماهنگی بیشتر، ناهمگونی و تضاد منافع بیشتر و انگیزه‌های گزینشی کمتر باشد	Olson (1965)
۷. اطلاعات نامتقارن، ۸. ارتباطات و تبلیغات	دشووارتر است اگر اطلاعات نامتقارن، ناتوانی در ایجاد ارتباطات و ضعف تبلیغات بیشتر باشد	Drazen (2000)
۹. تکرار و یادگیری	آسان‌تر است اگر امکان تکرار و یادگیری بیشتری وجود داشته باشد	Ostrom (1999), Pecorino (1999)
۱۰. تکامل فناوری‌های ارتباطی	آسان‌تر است، اگر تکامل فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی وجود داشته باشد	Lupia&Sin (2003)
۱۱. هنجارها و ارزش‌های اجتماعی (نهادهای غیررسمی)	آسان‌تر/دشووارتر است اگر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تشویق‌کننده/مانعت‌کننده کنش جمعی باشند	Hardin (1986), Ostrom (2002)

Hardin (1986), Ostrom (2004)	آسان‌تر است اگر کنش متقابل مبتنی بر همکاری و مشارکت وجود داشته باشد	۱۲. کنش متقابل
North (2005)	آسان‌تر است اگر مدل‌های ذهنی مشترک (مبتنی بر اعتماد، نظم‌پذیری، رعایت حقوق شهروندی، تساهل و مدارا، همکاری و مشارکت جمعی) باشند	۱۳. مدل‌ها و باورهای ذهنی
Ostrom (2009)	آسان‌تر/دشواری‌تر است اگر سازوکارهای تنبیه و تحریم قاصران وجود داشته باشد/وجود نداشته باشد	۱۴. سازوکارهای تنبیه و تحریم (مجازات قاصران)
Ostrom (2009), North (2005)	آسان‌تر است، اگر نظام آموزشی ترویج‌دهنده ایدئولوژی‌ها و هنجارهای ذهنی مشترک باشد	۱۵. آموزش
Ostrom (2009)	آسان‌تر/دشواری‌تر است اگر ساختار و قواعد اقتصادی-اجتماعی-سیاسی تشویق‌کننده/ممانعت‌کننده ایجاد فضای رقابتی باشند	۱۶. ساختار و قواعد بازی، ۱۷. افزایش رقابت میان مشارکت‌کنندگان
Chang (1994)	آسان‌تر است اگر پیکربندی نهادی جامعه مشوق همکاری و مشارکت باشد، کانون‌های همدلی و توجه مشترک در حوزه‌های مختلف اقتصادی-سیاسی و اجتماعی وجود داشته باشد	۱۸. تغییر پیکربندی نهادی جامعه و ایجاد کانون‌های توجه و همدلی

منبع: یافته‌های مقاله طبق منابع ستون آخر

با توجه به شکل ۱ و جدول ۱، در تدارک هر کالای عمومی داوطلبانه، به تبعیت از نظریه رفتار دولت مبتنی بر رفتار عقلایی، سه گروه عمدهٔ عاملان شامل عاملان سیاسی (سیاستمداران)، عاملان اداری (دیوان‌سالاران) و عاملان خصوصی (بنگاه‌ها و گروه‌های ذی‌نفع و انتخاب‌کنندگان) تأثیرگذارند. امکان کنش جمعی مابین این گروه‌ها به سبب مؤلفه‌های هجده‌گانهٔ شناسایی شده با هزینه‌های مبادلاتی همراه است. رفع چنین چالشی در ابتدا مستلزم تبیین و تصریح شفاف و روشمند آن به‌منظور مشخص شدن و تعیین کردن عوامل تأثیرگذار مرتبط و اولویت‌بندی آنها و متعاقباً برنامه‌ریزی جهت کاهش یا رفع عوامل موردنظر است.

۴. کاربرد چارچوب پیشنهادی برای تحلیل ضمانت اجرای قوانین تسهیل محیط کسب‌وکار

۴.۱. ضمانت اجرای اداری به‌عنوان یک کنش جمعی

هرچند در ادبیات موجود در رشتهٔ حقوق، ضمانت اجرای اداری بیشتر برحسب مجازات مقرر در خود قوانین اداری تعریف می‌شود، با این حال با استفاده از چارچوب ارائه‌شده بر مبنای

نظریه کنش جمعی و هزینه مبادله می‌توان ضمانت اجرای اداری را دارای ارکان دیگری نیز دانست.

در چارچوب مبانی حقوقی، ضمانت اجرای اداری واکنش و عکس‌العمل نظام اداری در قالب قوانین و مقررات خاص اداری به تخلف یا تخلفات کارگزاران و مأموران دولتی است. همان‌طور که از تعریف مذکور برمی‌آید، ضمانت اجرای اداری همچون سایر ضمانت‌های اجراهای کیفری و حقوقی، نوعی واکنش و پیامد عملی اعمال انجام گرفته است. با این تفاوت که ماهیت ضمانت اجرای مذکور با یکدیگر متفاوت بوده و ماهیت ضمانت اجرای اداری، تخلف یا تخلفات اداری است (درویشی و زینالی‌ا قدم، ۱۳۹۳: ۴).

همچنین اگر فراتر از ضمانت اجرای اداری و کنترل اداری به اعمال اداری نگاه شود، نظارت اداری مطرح می‌شود. معمولاً نظارت اداری به این روش صورت می‌گیرد که اعمال و اقدامات مأموران دولتی می‌تواند از درون سازمان توسط مقامات اداری بالاتر مورد نظارت، بازنگری و اصلاح قرار گیرد یا از بیرون سازمان اداری، نهادهای نظارتی وجود دارند که بر اعمال و فعالیت دستگاه‌ها و مأموران اداری نظارت دارند و از فعالیت‌های مخالف با قانون این دستگاه‌ها جلوگیری می‌کنند. نمونه‌های مهم نهادهای نظارتی بیرون از دستگاه اداری در ایران، سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و دیوان عدالت اداری است که با اتخاذ روش‌های اداری و نظارتی، هدف موصوف را تأمین می‌کنند (هداوند و آقایی طوق، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۴).

در مجموع براساس چارچوب معرفی شده در این مقاله برای بهبود ضمانت اجرای قوانین اداری علاوه بر مجازات مقرر در خود قانون و نیز کنترل‌های رسمی بیرونی مانند ابزارهای نظارتی مجلس شورای اسلامی (سؤال از رئیس‌جمهور و وزرا و استیضاح آنها و کمیسیون اصل ۹۰ و دیوان محاسبات کشور) و نظارت سازمان بازرسی کل کشور، می‌توان نیروی سومی را معرفی کرد که بهبود کنش جمعی عوامل سیاسی، اداری و اقتصادی این زمینه است. چگونگی اثرگذاری این نیرو بر مبنای تجربه قوانین مربوط به تسهیل محیط کسب‌وکار ایران در ادامه مطرح می‌شود.

۴.۲. ضمانت اجرای قوانین تسهیل محیط کسب‌وکار

قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، در بهمن‌ماه ۱۳۹۰ با وجود مخالفت دولت وقت، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. مهم‌ترین اهداف این قانون که در مجموع در ۲۹ ماده تدوین شده، عبارت‌اند از تسهیل کسب‌وکار به‌ویژه از طریق تسریع در صدور مجوزها؛ برقراری شفافیت اقتصادی بیشتر به‌منظور کاهش فساد اقتصادی؛ ایجاد سامانه‌های پنجره واحد

معاملات بخش عمومی و تجارت فرامرزی؛ رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری به‌ویژه برای بنگاه‌های خرد و کوچک. گزارش نظارتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از اجرای این قانون در دی‌ماه ۱۳۹۶، نشان می‌دهد پس از گذشت حدود پنج سال و نیم از تصویب قانون فقط ۱۷ درصد احکام آن اجرا شده، ۳۶ درصد احکام به‌صورت ناقص اجرا شده و ۴۷ درصد احکام اصلاً اجرا نشده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارش نظارتی دیگری در آبان ۱۳۹۷ درباره اجرای قوانین مربوط به محیط کسب‌وکار با ارزیابی عملکرد هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار تأکید کرده است در مجموع براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، باید بر این واقعیت تأکید کرد که مجموعه احکام قانونی مربوط به ساماندهی مجوزهای کسب‌وکار مانند ماده ۵۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی، پس از تحولات قانونی متعدد و همچنین نیازها و مطالبات جدی فعالان اقتصادی، همچنان در پیچ‌وخم بوروکراسی عقیم مانده‌اند و به مرحله اجرای کامل و قابل قبول نرسیده‌اند. فرایند بررسی مجوزها به دلایل مختلف در هیأت مقررات‌زدایی، با کندی و تعلل بسیار در حال انجام است و مفاد مصوب هیأت نیز به‌نحو بایسته توسط دستگاه‌ها اجرا نمی‌شوند. از همه مهم‌تر، پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب‌وکار که قرار بود یگانه مرجع قانونی فعالان اقتصادی برای کسب اطلاع از مدارک و زمان و هزینه‌های اخذ هر مجوز باشد، به‌ویژه به‌دلیل نظام‌مند نبودن در تفکیک دستگاه‌های اصلی و تابعه، واجد ایرادات و نواقص متعددی است.

همچنین گزارش مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اتاق ایران از نتایج پایش ملی کسب‌وکار در تابستان ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که محیط کسب‌وکار در استان‌های کشور و در بین رشته‌های مختلف فعالیتی متفاوت است. سایر گزارش‌های پایش محیط کسب‌وکار ایران که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس از سال ۱۳۸۹ شروع شده بود نیز چنین تفاوت‌هایی را نشان داده بود. به‌عبارتی، با اینکه قوانین و مقررات مربوط به کسب‌وکارها در همه کشور یکسان است، اما به‌طور متفاوتی اجرا شده است. شواهد مذکور نشان می‌دهد که با وجود مجازات قانونی و نظارت‌های رسمی بیرونی، درجه اجرای قوانین تسهیل محیط کسب‌وکار کامل نیست و در مناطق مختلف کشور به نتایج متفاوتی رسیده است. براساس چارچوب پیشنهادی می‌توان دلایل زیر را ذکر کرد:

۱. هر یک از عاملان اقتصادی و سیاسی و اداری و تشکل‌های اقتصادی و کسب‌وکارها به‌دلیل سواری مجانی اجرای کامل قانون را پیگیری نکرده‌اند که برایشان به‌صرفه بوده است که دیگران پیگیری کنند و آنها از منافعش بهره‌مند شوند.

۲. مخاطبان اجرای قانون دامنه وسیعی از کسب‌وکارهای با اندازه کوچک و بزرگ و ناهمگون هستند که سبب شده است تا کسب‌وکارهای بزرگ از طریق لابی‌گری و کسب‌وکارهای کوچک از طریق رشوه، بیشتر مشکلات خود در قوانین مربوطه مانند مالیات، تأمین اجتماعی، گمرک، بانک‌ها، اداره ثبت و اداره کار را حل و فصل کنند، البته کارآمدی سازوکارهای تنبیه و تحریم (مجازات قاصران) در این زمینه بسیار اهمیت دارد.
۳. اطلاعات نامتقارن یعنی اطلاعات بیشتر دستگاه‌های اجرایی از قوانین و مقررات پیچیده نسبت به عاملان اقتصادی و نیز هزینه‌های کسب اطلاعات برای شناخت قوانین توسط عاملان اقتصادی و سیاسی و اداری و تمکین قوانین توسط عاملان اقتصادی سبب شده است تا کنش جمعی برای اجرای کامل قوانین تسهیل محیط کسب‌وکار ناقص بماند.
۴. گزارش‌های بانک جهانی در زمینه رتبه‌بندی سهولت محیط کسب‌وکار کشورها از سال ۲۰۰۴ و گزارش‌های پایش محیط کسب‌وکار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۸۹ و اقدامات دفتر بهبود محیط کسب‌وکار وزارت اقتصاد سبب شده است تا تکرار و یادگیری تا حدی به تسهیل محیط کسب‌وکار کمک کند. در این زمینه تکامل فناوری‌های ارتباطی نیز مؤثر بوده است.
۵. هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و مدل‌ها و باورهای ذهنی عاملان اقتصادی و سیاسی و اداری در تسهیل کنش جمعی برای بهبود اجرای قوانین تسهیل محیط کسب‌وکار اهمیت اساسی دارد. نگرش‌های عاملان دیوان‌سالار در کشور و حتی نگرش‌های کسب‌وکارهای خصوصی در این زمینه محدودیت‌های را ایجاد کرده است. تغییر پیکربندی نهادی جامعه و ایجاد کانون‌های توجه و همدلی به سمت تقدس دادن به امر تولید می‌تواند راهگشا باشد.
۶. آموزش عاملان اقتصادی و سیاسی و اداری در زمینه ماهیت، اهمیت و ابعاد قوانین تسهیل محیط کسب‌وکار برای رشد تولید در کشور و ایجاد رفاه می‌تواند مشارکت آنها را اجرای این قوانین افزایش دهد.

۵. نتیجه

با توجه به اینکه اصلاحات نهادهای رسمی به‌عنوان یک کنش جمعی، نقشی کلیدی در فرایند توسعه دارد، در این مقاله بر تبیین چارچوبی کاربردی به‌منظور تحلیل چنین اصلاحاتی با استفاده از نظریات اقتصادی و حقوقی تمرکز شد. نوآوری این چارچوب از چهار جنبه شایان توجه است؛ تلفیق روشمند نظریات اقتصادی و حقوقی کنش جمعی و هزینه مبادله؛ شناسایی و معرفی مؤلفه‌های هجده‌گانه مؤثر بر کنش جمعی عاملان؛ به‌کارگیری چارچوب کاربردی پیشنهادی برای تحلیل امکان تدارک یکی از مهم‌ترین کالاهای عمومی داوطلبانه یعنی

اصلاحات اقتصادی؛ و کاربرد چارچوب پیشنهادی برای بهبود ضمانت اجرایی قوانین تسهیل محیط کسب و کار.

بر مبنای چارچوب معرفی شده در این مقاله برای بهبود ضمانت اجرای قوانین اداری علاوه بر مجازات مقرر در خود قانون و نیز کنترل‌های رسمی بیرونی مانند ابزارهای نظارتی مجلس شورای اسلامی و نظارت سازمان بازرسی کل کشور، نیروی سوم معرفی شد که بهبود کنش جمعی عوامل سیاسی، اداری و اقتصادی است. تجربه قوانین مربوط به تسهیل محیط کسب و کار ایران نشان می‌دهد مؤلفه‌های متعددی کنش جمعی لازم برای اجرای این قوانین را پرهزینه کرده است.

منابع

الف) فارسی

۱. امامی، محمد؛ استوارسنگری، کورش (۱۳۸۹). *حقوق اداری*، تهران: میزان.
۲. ایرانپور، فرهاد (۱۳۹۸). *مبانی و کاربرد تحلیل اقتصادی در حقوق خصوصی*، تهران: دنیای اقتصاد.
۳. ایوب، کارتین؛ ورنون، کاترین (۱۳۸۴). *مباحثی در باب نظریه انتخاب عمومی*، ترجمه محمد قاسمی و همکاران، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۴. بادینی، حسن (۱۳۸۲). «مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۶۲.
۵. تفضلی، فریدون (۱۳۸۶). *تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)*، چ هفتم، تهران: نشر نی.
۶. خالقی‌فر، مجید (۱۳۹۴). «بررسی جامعه‌شناختی هزینه مبادله و تأثیر آن بر روی کنش اقتصادی کارآفرینان»، *فصلنامه راهبرد*، ش ۷۵، سال بیست و چهارم.
۷. خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۷). *گفتمان میان‌رشته‌ای دانش: مبانی نظری، گونه‌شناسی و خط‌مشی‌هایی برای عمل در آموزش عالی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۸. دادگر، یدالله (۱۳۸۱). *دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران*، مجموعه مقالات دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۹. ----- (۱۳۸۹). *مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد*، تهران: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. درویشی، بابک؛ زینالی اقدم، امیرعلی (۱۳۹۳). «ماهیت ضمانت اجرای اداری در نظام حقوقی ایران»، *تحقیقات حقوقی آزاد*، دوره ۷، ش ۲۵.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). *فلسفه حقوق*، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶). *گزارش نظارتی درباره اجرای قوانین مربوط به محیط کسب و کار ۴*. *گزارش عملکرد قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار*، تهیه و تدوین: آقای احمد مرکز مالگیری، شماره گزارش ۱۵۶۲۳.
۱۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷). *گزارش نظارتی درباره اجرای قوانین مربوط به محیط کسب و کار ۵*. *ارزیابی عملکرد هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار و دفتر پایش و بهبود محیط کسب و کار*، تهیه و تدوین: آقای احمد مرکز مالگیری، شماره گزارش ۱۶۱۳۰.
۱۴. نادران، الیاس؛ امیری، هادی (۱۳۸۷). «آملی بر نحوه تحلیل نهادی در مالیات‌ستانی»، *جستارهای اقتصادی*، دوره ۵، ش ۹.
۱۵. هداوند، مهدی؛ آقای طوق، مسلم (۱۳۸۹). *دادگاه‌های اختصاصی اداری*، تهران: خرسندی.

(ب) خارجی

16. Becker, G (1957), *The Economics of Discrimination*, Chicago, University of Chicago Press.
17. Biswajit. R. (2011), "Transaction Costs, Collective Action and Survival of Heterogeneous Co-management Institutions: Case Study of Forest Management Organisations in West Bengal, India", *Journal of Development Studies* 47(2): pp. 253-273 · February 2011.
18. Buchanan, J. M., & Tullock, G. (1962), *The calculus of consent* (Vol. 3). University of Michigan Press.
19. Calabresi, G (1961), "Some Thoughts on Risk Distribution and the Law of Torts", *Yale Law Journal*.
20. Commons, J. R. (1924), *Legal Foundations of Capitalism*, New York: Macmillan.
21. Commons, J. R. (1931), "Institutional economics", *The American Economic Review*, 648–657.
22. Coase, R (1960), "The Problem of Social Cost", *Journal of Law and Economics*, 3 (1): 1–44.
23. De Geest, G (1994), *Economic Analysis of Contract Law*, Antwerpen, Makalu.
24. Downs, A. (1957), "An economic theory of political action in a democracy", *Journal of Political Economy*, 65(2), pp. 135–150.
25. Drazen, A. (2000), *Political Economy in Macroeconomics*. Princeton University Press.
26. Hahn, F. H. (1971), *Equilibrium with transaction costs*. *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, pp. 417–439.
27. Hardin, G. (1968), *The Tragedy of the Commons*. Science, 162, pp. 1243–1248.
28. Khan, M. H., & Jomo, K. S. (2000). Rents, rent-seeking and economic development: Theory and evidence in Asia. Cambridge University Press.
29. Klein, J & Newell. W (1997), *Advancing Interdisciplinary Studies*, In *Handbook of the Undergraduate Curriculum*, ed. Gaff and Ratcliff, pp. 393-415
30. Liver, P. E., & Marwell, G. (1988), "The Paradox of Group Size in Collective Action: A Theory of the Critical Mass", II. *American Sociological Review*, pp.1–8.
31. Lupia, A., & Sin, G. (2003). "Which public goods are endangered?: How evolving communication technologies affect the logic of collective action", *Public Choice*, 117(3), pp. 315–331.
32. Marshall, G. R. (2013). "Transaction costs, collective action and adaptation in managing complex social-ecological systems", *Ecological Economics*, 88, pp.185–194.
33. McLean, I. (2000). Review article: *The divided legacy of Mancur Olson*. *British Journal of Political Science*, 30(04), 651–668.
34. McNutt, P. a (2005), *Economic and antitrust towards a new perspective*, Cheltenham, UK, .Elgar dward.
35. Moran, E. F. (2005). *Seeing the forest and the trees: human-environment interactions in forest ecosystems*, MIT Press.
36. Munzer, S (1990), *A theory of property*, Cambridge university press.
37. Niskanen, W. A. (1971), *Bureaucracy and representative government*, Transaction Publishers.
38. Niskanen, W. A. (1975). "Bureaucrats and politicians", *The Journal of Law and Economics*, 18(3), pp. 617–643.
39. Olson, M. (1965), *The Logic of Collective Action*, New Haven CN: Yale University Press.
40. Ostrom, E. (1986), "An agenda for the study of institutions", *Public Choice*, 48(1), pp. 3–25.
41. Ostrom, E. (1990), *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*, New York: Cambridge University Press.
42. Ostrom, E. (1995), *Understanding institutional diversity*, Princeton University Press Princeton, New Jersey.
43. Ostrom, E. (1998), "A behavioral approach to the rational choice theory of collective action: Presidential address", *American Political Science Association. American Political Science Review*, 92(01), pp. 1–22.
44. Ostrom, E. (2003), *The commons in the new millennium: challenges and adaptation*, MIT Press.
45. Ostrom, E. (2010), "Beyond markets and states: polycentric governance of complex economic systems", *Transnational Corporations Review*, 2(2), pp. 1–12.

46. Ostrom, E. (2014), "Collective action and the evolution of social norms", *Journal of Natural Resources Policy Research*, 6(4), pp. 235–252.
47. Ostrom, E. and J. Walker. (1997), "Neither Markets nor States: Linking Transformation Processes in Collective Action Arenas," in D. C. Mueller, ed., *Perspectives on Public Choice*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 35–72.
48. Ostrom, E., & Basurto, X. (2011). "Crafting analytical tools to study institutional change", *Journal of Institutional Economics*, 7(03), pp. 317–343.
49. Ostrom, V., & Ostrom, E. (1977). *A theory for institutional analysis of common pool problems*, *Managing the Commons*, pp. 157–172.
50. Pecorino, P. (1999), "The effect of group size on public good provision in a repeated game setting", *Journal of Public Economics*, 72, pp.121–134
51. Ramseyer, J. M. (1995). *Public Choice*, Chicago Working Paper in Law & Economics.
52. Ryan, Alan.. (1987), *Property*, University of Minnesota press
53. Volacu, A. (2014). *Games and Cooperation. Economic and Evolutionary Approaches in Social Sciences*, Wolters Kluwer, Bucharest, pp.109–142.
54. Walters, M. (2002). "Transaction costs of collective action in Hong Kong high rise real estate", *International Journal of Social Economics*, 29(4), pp. 299–314.
55. Williamson, O. E. (1989), *Transaction cost economics*, *Handbook of Industrial Organization*, 1, pp. 135–182.